

متن پرسش

سلام و احترام و آرزوی قبولی طاعات و زیارات، ممنون میشم نظرتون رو درباره متن زیر بدونم و نکات تصحیحی و تکمیلی رو بفرمایید.

یا رب الحسین علیه السلام اشف صدر الحسین علیه السلام بظهور الحجه علیه السلام
چهل گام در اربعین

۱. در اربعین؛ تمام «من»ها، یک «من» می‌شود و آن هم «من» امام است. هر منی که در امام فانی نباشد، منت است و محکوم به هلاکت.

۲. در اربعین؛ می‌آموزی که همه خواسته‌ها، احساسات و ظهورات باید یا از امام باشد یا به سوی امام، حتی خوردن و آشامیدن...

۳. در اربعین؛ تن‌های شیعیان چون براده‌های آهنی هستند که به سمت مغناطیس امام جذب می‌شوند. و این انجذاب ناشی از شیفتگی قلب‌ها به امام است.

۴. در اربعین؛ «خود راه بگویدت که چون باید رفت»...

۵. در اربعین؛ خادم و زائر چون آینه‌هایی‌اند که گرچه مقابل یکدیگر قرار گرفته‌اند اما فقط تصویر صاحب جمال را نشان یکدیگر می‌دهند... حسین... حسین... حسین.

۶. در اربعین؛ می‌یابی که اگر امام طبیب دلت باشد، نسخه و دارویت جدا از هم نیستند.

۷. در اربعین؛ می‌یابی که این تو نیستی که می‌روی، می‌برندت. «گر می‌روی بی‌حاصلی، و می‌برندت واصلی، رفتن کجا! بردن کجا!! توفیق ربّانی‌ست این».

۸. در اربعین؛ عالی‌ترین مقامات عرفان برای عموم، دست یافتنی می‌شود، مثل دیدن وحدت در کثرت. کسی چه می‌داند! شاید یکی است که این همه به ظهور آمده یا این همه است که فقط یکی را نشان می‌دهد.

۹. در اربعین؛ قدم‌ها نیز وسعت می‌یابند. این یک قدم نیست که رو به امام می‌رود، هر قدم شامل هزاران گامی است که حسرت بوسیدن این خاک را داشته و به صاحب قدم، التماس دعا گفته‌اند.

۱۰. در اربعین؛ زمین کربلا وسعت می‌یابد، و هر قلبی که خود را به ارض کربلا رسانده است این وسعت حضور را حس خواهد کرد. یک نفر، همه می‌شود و همه، یک نفر... امام.

۱۱. در اربعین؛ خود را مرکز عالم می‌یابی. گویی همه عالم گرد نقطه‌ای که تو ایستاده‌ای می‌چرخد. چه جای عجب است، که به قطب ملکوت یعنی امام نزدیک شده‌ای و زمین نیز حول خورشید امام در گردش است.

۱۲. در اربعین؛ مریم وار در طوف امام خویش به عبادت مشغولی و رزق آسمانی در جایگاه عبادت، طریق الحسین، نازل می‌شود. ناظرانی که تو را می‌بینند خواهند پرسید: «اَئِی لَک هَذَا؟» و تو خواهی گفت: «هی من عندالله.» آری! روزی‌ها از دامنه وجودی امام است که بر ما جاری می‌شود. از ما، طواف امام، از امام، روزی رساندن...

۱۳. در اربعین؛ می‌یابی که چگونه وقتی دنبال موسی باشی از آسمان برایت «مَنْ وَالسَّلْوَى» نازل می‌شود. معیت با ولی الله همان و معجزه دیدن، همان...

۱۴. در اربعین؛ می‌یابی که اگر در مدار امام باشی اعمال زمینیات هم آسمانی می‌شود، حتی خوردن.

۱۵. در اربعین؛ پرده غیبت امام کنار می‌رود وگرنه چگونه ممکن است این همه مهربانی و ایثار به تجلی در آید؟! ۱۶. در اربعین؛ می‌یابی برای رسیدن به امام، بلکه به خدای امام، باید خود را در چشمه مهربانی شستشو دهی.

۱۷. در اربعین؛ از سویی تواضع به زائر را تواضع به امام می‌دانی و می‌یابی و از دیگر سو خود را سفیری از جانب امام می‌یابی برای تشکر از خدام. آینه‌ای دو وجهی هستی که از یک وجه، نور امام را می‌گیرد و از وجهی دیگر نور امام را متشعشع می‌کند.

۱۸. در اربعین؛ همه می‌کوشند تا شکوفه لبخند بر لبان دیگران بنشانند، همین و بس. درست مثل لبخند رضایت امام. «اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا».

۱۹. در اربعین؛ اسفار اربعه عرفا را می‌توانی بچشی. این چهار سفر عبارتند از: ۱. سفر «من الخلق الی الحق» یا به اختصار سفر الی الحق، زائر از خلق بریده و به حق رو می‌کند. ۲. سفر «من الحق الی الحق فی الحق» یا به اختصار سفر فی الحق، زائر در خلوت خویش به تفکر و سلوک فردی پرداخته و با امام خویش نجوا می‌کند. ۳. سفر «من الحق الی الخلق بالحق» یا به اختصار سفر الی الخلق، زائر از عزلت خویش بیرون آمده و خدام و دیگر زائران را می‌بیند. ۴. سفر «من الخلق الی الخلق فی الخلق بالحق» یا به اختصار سفر فی الخلق. زائر در خدمت زوار در آمده و در سلوکی جمعی زمین را به آسمان متصل می‌کند. آری! انتهای این مسیر خادم الحسین شدن است.

۲۰. در اربعین؛ کوچکترین کارها قدر پیدا کرده و بزرگترین می‌شوند. چرا که مبداء و مقصد عمل، امام است. «إِنْ ذُكِرَ الْخَيْرُ كُنْتُمْ أَوْلَهُ وَ أَضَلَّهُ وَ فَرَعَهُ وَ مَعْدِنَهُ وَ مَأْوَاهُ وَ مُنْتَهَاهُ...»

۲۱. در اربعین؛ بیشتر از آنکه به منفعت خویش بیندیشی به خدمت مطلوب‌تر همت می‌گماری. این همت برای خدمت رسانی به رضایتی درونی و ماندگار ختم می‌شود. برخلاف آموزه‌هایی که طلبکاری را حق دانسته و دیگران را فقط برای رسیدن به منافع خود می‌بینند و نتیجه اش نیز جز خشم یا افسردگی نمی‌باشد.

۲۲. در اربعین؛ همه جاده یک نقطه است، نقطه‌ای که تو ایستاده‌ای. کسی نه احساس سبقت می‌کند، نه جاماندگی. مگر جز این است که قطره‌ها چنین حسی نسبت به هم دارند؟

۲۳. در اربعین؛ می‌یابی که راه خدا از امام می‌گذرد و راه امام، از خلق.

۲۴. در اربعین؛ نفوذ نگاه و ثبات قدم حضرت زینب «سلام‌الله‌علیها» را می‌بینی که امتداد یافته است. چه جای تعجب که قدمی خالصانه هزاران قدم شود؟ و مگر نه این است که خدا اجر محسنان را ضایع نمی‌کند به حکم: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا» بلکه بیشتر.

۲۵. در اربعین؛ رنج و لذت، معنی می‌یابد. هرچیزی که از امام، برای امام و بسوی امام نباشد، رنج است و هرچیزی که از امام، برای امام و بسوی امام باشد، لذت.

۲۶. در اربعین؛ غدیر نهضت اباعبدالله الحسین «علیه‌السلام» ظهور یافت؛ «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي». اکمال و اتمام شهادت حسین «علیه‌السلام» و یارانش، با جوشش خون آن‌ها در قلوب شیعیان ظاهر شد.

۲۷. در اربعین؛ جهان شمول می‌شوی، چرا که کشش قدمه‌های با تپش‌های قلب امام تنظیم می‌شود. و امام، قلب عالم است.

۲۸. در اربعین؛ از دریچه نگاه زینب کبری «سلام‌الله‌علیها»، عالم را می‌بینی که: «مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلاً».

۲۹. در اربعین؛ می‌یابی که: رضایت به داشتن نیست، به امام داشتن است.

۳۰- در اربعین؛ جایی برای جاماندگی باقی نمی‌ماند. جامانده کسی را گویند که یا دیر می‌فهمد یا دیر اقدام می‌کند. دل‌های مشتاقی که از ماه‌ها قبل در انتظار سفری ملکوتی‌اند، جا نمی‌مانند هرچند محدودیت عالم خاک زنجیر به پایشان بسته باشد، «بُعد منزل نبود در سفر روحانی». اینان همان «دل‌دادگان» و نه «جاماندگان».

۳۱. در اربعین؛ آمده‌ای که به امام خود بگویی: اگر خاکی شوم، اگر خسته شوم، اگر گرسنه شوم، اگر تشنه شوم، اگر مجروح شوم، اگر، اگر، اگر... باز هم شرمنده تو و خاندان پاکت هستم. و شرمندگی، علامت عشق است.

۳۲. در اربعین؛ دنیایت قبل اربعین و بعد از آن عوض می‌شود. گرچه در یکی شوق وصال است و در دیگری خوف فراق، اما این شوق و خوف، شعاعی از جمال و جلال امام اند که نقطه ملاقاتشان، طریق الحسین است و فروغی از رخ ساقی است که به جام دلت تابیدن گرفته و تو را چنین میانه میدان به رقص واداشته است.

۳۳. در اربعین؛ می‌یابی که وقتی عقل، عاشق شود، می‌توان مناسبات عالم را تغییر داد.

۳۴- در اربعین؛ معنای فنا و بقا را خواهی یافت. رنج‌ها می‌گذرند و فراموش می‌شوند و تنها خاطرات آسمانی‌اش می‌مانند و روز بروز بیشتر می‌درخشند. «كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ وَ بِيَقَى وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَ الْاِكْرَامِ».

۳۵. در اربعین؛ خلوت را در جلوت می‌یابی و جلوت را در خلوت. مناجات با خدایت را در خدمت به زائر می‌جویی و رابطه‌ات با زائران را همان رابطه با خدا می‌بینی. به مقام جمع رسیدن، طی کردن ره صدساله‌ای است که در طریق الحسین می‌شود یک شبه طی کرد.

۳۶. در اربعین؛ شهدا را زنده‌تر از همیشه می‌یابی. چه می‌گوییم؟ گویا خودت زنده شده و آنها را می

بینی. اگر بساط «عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرَزَقُونِ» آنها پهن نبود، این همه مائده آسمانی از کجا می‌آمد؟! ۳۷. در اربعین؛ نفس واحد را خواهی یافت. همان وجه مشترک خلقت همه انسان‌ها، حسین را می‌گویم. از این روست که گویی با همه آشنایی و همه، یکی هستند.

۳۸- در اربعین؛ معنای حرکت جوهری را خواهی دانست. مگر نه این است که جوهر و ذات ماده، حرکت است و تمام بودن‌ها به شدن‌ها ختم می‌شود و همه قوه‌ها به فعلیت؟ زمین به مرکزیت طریق الحسین بستر فعلیت یافتن قوایی است که با رسیدن به کمال یا همان امام خویش، آرام می‌گیرد. این یعنی: «يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ». آری! گویی طریق الحسین، زمین دیگری است. ۳۹. در اربعین؛ برهان صدیقین را مرور می‌کنی. آنانکه پا در این طریق می‌گذارند، با قدمهای استوار، قامت‌های برافراشته، نگاه‌های نافذ و قلبهای مشتاق خویش چنین برهانی را اقامه می‌کنند که مگر می‌شود این امواج معرفت و ایمان و شور و شوق و شعور و عشق به اقیانوس بیکران علم و ایمان وصل نبوده و از آن برنخاسته باشد؟ مگر جز صدیقین می‌توانند چنین ایمان و معرفتی را نه از خود بلکه شعاعی از خورشید وجود امام بدانند؟ «اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مَعَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا..»

۴۰. در اربعین؛ به انتظار طلوع خورشیدی هستی که ظهر عاشورا غروب کرد. پیوند اشک و لبخند نمایانگر ایمان توست به ظهور امام موعودی که روشنایی‌ها و زیبایی‌های اربعین، فقط پرتوی از تابش وجودش در عصر ظهور است. باش تا صبح دولتش بدمد کاین همه از نتایج سحر است، به همان معنای «انتظار» و «وارستگی».

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! این ما و این همه جهان گشوده اربعینی، آن هم در تاریخی که انسان‌ها تنها در خانه تاریک خودشان به سر می‌برند، حتی وقتی با وسایل سریع دنیای جدید هر جا که می‌خواهند می‌توانند باشند. ولی عجیب است با این که همه جهان بر خط است، هر چه بیشتر در تنهایی تاریک خود در هیچ جایی نیستند. سخن اصلی بنده پس از تجربه اربعینی این سال، این است که اگر تا دیروز معتقد بودم هرکس در انقلاب اسلامی و در مقابله با استکبار حاضر نیست، در هیچ جایی حاضر نمی‌باشد و عملاً در هیچ جهانی جای ندارد؛ امروز در همان راستا باید عرض کنم اگر در این زمانه در دل انقلاب اسلامی، این اربعین را «فهم» نکند، در هیچ جهانی حاضر نیست، زیرا جهان امروزی آخرین بشر و بشر آخرالزمانی، حضور در نهایی‌ترین جهان است که این یعنی درک نهایی‌ترین ایثار خدام و حضور در تاریخ نهایی‌ترین وجه انسانی بین سیل انسان‌هایی که آمده‌اند یگانگی همدیگر

را تجربه کنند.

به این فکر کنید که انسان آخرالزمانی هرچه می‌تواند از بستر هستی خود که عین اتصال به خالق هستی‌ها است، اندیشه‌های تازه که مطابق روح نهایی‌ترین انسان است می‌آفریند، نه آن‌که به مطالبی بپردازد که باور به آن مطالب آسان باشد ولی در آن مطالب جواب نهایی‌ترین طلب حاضر نباشد.

باید متوجه بود؛ انسان آخرالزمانی، انسانی است که از سیطره اندیشه‌های معمولی که امکان تردید در آن‌ها هست، رهایی یافته تا با اصل‌ترین اصل‌ها روبه‌رو شود که آن انسانیت کامل است، انسانیتی که بالاتر از آن ممکن نیست و این یعنی اولیای الهی در نمادهایی همچون علی «علیه‌السلام» و سیدالشهداء «علیه‌السلام»، و لازمه چنان حضوری عبور از هر آن چیزی است که در آن توهمات ساخته ذهن پنهان است، حضوری که مانع می‌شود تا انسان در گرداب نومیدی و انکار فرو غلتد. حضوری که این روزها می‌توان در حرکت اربعینی آن را تجربه کرد و از آن به بعد با آن حضور در همه زندگی به سر برد، در دل تذکرات چهل‌گانه‌ای که مطرح فرموده‌اید.

رخداد اربعینی این سال‌ها، پنجره‌ای شده برای آن‌که ما شیعیان، به‌خصوص ما ایرانیان، تا جهان مدرن را درست بفهمیم، جهانی که تا دیروز با نوعی شیفتگی به آن می‌نگریستیم. در حالی که امروز متوجه شده‌ایم جهان در وضعیت جدید خود بیرون از ایران نیست و آینده جهان به نقش ایران در بستر انقلاب اسلامی پیوند خورده است و در این راستا و با توجه به این حضور، مردم ما در پیاده‌روی اربعینی حاضر می‌شوند که نوعی آمادگی است برای حضور در نظم جهانی پیش رو. امری که رهبر معظم انقلاب در دیدار مردم سیستان و بلوچستان با تأکید بیشتر، متذکر آن شدند که «دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.» موفق باشید